

حَمَنَه دَخْتَر جَحْشِ اَسَدِي

دختر عمه رسول الله (ص)

الحاج عبدالکریم غریق - هالند

حمنه دختر جحش بن رثاب بن یعمر بن صبره بن مره بن کبیر بن غنم بن دودان بن اسد بن خزیمه اسدی می باشد. (3) پدرش جحش بن رثاب اسدی هم پیمان سردار قریش عبدالمطلب بن هاشم و مادرش و مادر خواهرش زینب همسر پیامبر اسلام (ص) امیمه دختر عبدالمطلب عمه رسول الله (ص) بوده است. برادران حمنه هر یک عبدالله بن جحش (رض) همان که در غزوه احد به شهادت رسید، عبیدالله بن جحش که به همراه همسرش ام حبیبه به حبشه مهاجرت نمود، اما در آن جا از اسلام برگشت و به نصرانیت گرائید، ابی احمد بن جحش (رض) یکی از سابقه داران اسلام و عبد بن جحش (رض) یکی دیگر از صحابه رسول الله (ص) می باشند. موصوفه خواهر ام المؤمنین زینب (رض) همسر پیامبر اسلام (ص) و ام حبیبه دختر جحش همسر عبدالرحمن بن عوف (رض) بوده است. حمنه دختر جحش در اول همسر مصعب بن عمیر صحابی مشهور رسول الله (ص) بود، و برای مصعب (رض) دختری بنام زینب به دنیا آورد، (22) و بعد از شهادت مصعب (رض) در غزوه احد در سال سوم هجری مطابق سال 625 میلادی با طلحه بن عبیدالله یکی از عشره مبشره ازدواج کرد، که از ایشان محمد معروف به سجاد و عمران پسران طلحه متولد گردیدند. (25) و آورده اند که: وقتی حمنه پسرش محمد بن طلحه را بدنیا آورد، او را به نزد رسول الله (ص) برد، و آن حضرت (ص) او را محمد نام کردند، و کنیه او را ابو سلیمان گذاشتند. حمنه از جمله کسانی است که در قضیه اِفک¹ بر عائشه (رض) تهمت زدند، و این عمل وی از روی حمیت و رشکی بود، که بواسطه ام المؤمنین زینب خواهرش آن را مرتکب گردید، در حالی که خود ام المؤمنین زینب (رض) در این باره چیزی نگفت. بعضی از مؤرخین می گویند: حمنه بواسطه تهمتی که زده بود، تازیانه خورد، و بعضی دیگر گفته اند، که تازیانه نخورده است. (2)

حمنه دختر جحش اسدیه از جمله زنان مهاجر بوده، با پیامبر اسلام (ص) بیعت نموده، و در غزوه احد شرکت کرده، و در آن غزوه تشنگان را آب می داده، و زخمیان را پرستاری و تداوی می کرده است. (1) طبرانی به اسنادی از ابواحمد بن جحش روایت نموده، که گفته است: به چشم دیدم، که در روز غزوه احد حمنه دختر جحش تشنگان را آب می داد، و مجروحان را تداوی می کرد. (3)

¹ اِفک: در لغت به معنای تهمت بزرگ و دروغ بی پایه است، و در اصطلاح مؤرخین و مفسرین مراد تهمتی است، که عده ای در هنگام برگشت پیامبر اسلام (ص) از غزوه بنی مصطلق به ام المؤمنین عائشه صدیقہ (رض) همسر محبوب رسول الله (ص) بستند، و خداوند (ج) در قرآن کریم برانست مادر مومنان را نازل، و چنین فرموده است: (إِنَّ الَّذِيْنَ جَاءُوا بِالْاِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ). ترجمه: کسانی که این تهمت بزرگ را (در باره عائشه صدیقہ) پرداخته و سرهم کرده اند، گروهی از خود شما هستند. سوره نور آیه یازدهم.

حمنه دختر جحش (رض) از پیامبر اسلام (ص) حدیث روایت نموده، و از وی پسرش عمران بن طلحه روایت کرده است. (4)

ابوعمر یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالبر قرطبی می گوید: حمنه و خواهرش ام حبیبه هردوی شان حیض همیشه گی داشتند. (4)

حمنه دختر جحش زنی کثیر العبادت بود، امام احمد بن حنبل در مسندش در حدیثی که بطور مرفوع از عبدالرحمن بن ابی لیلی روایت نموده، آورده است: حماد بن سلمه از ثابت و او از عبدالرحمن بن ابی لیلی روایت کرده، که گفت: رسول الله (ص) ریسمان درازی را دیدند، که بین دو دیوار بسته و کشیده شده است. گفتند: (لِمَنْ هَذَا؟) ترجمه: این ریسمان از کیست؟ گفتند: از حمنه دختر جحش می باشد، و او وقتی که از نماز خواندن خسته می شود، خود را به آن می چسپاند. پیامبر اسلام (ص) فرمودند: (لِتَصِلَ مَا طَاقَتْ، فَإِذَا عَجَزَتْ فَاتَّقِعُدْ). ترجمه: به اندازه ای که توان داری نماز بخوان، و وقتی خسته شدی بنشین. مثل همین حدیث را حماد از حمید و او از انس (رض) و او از رسول الله (ص) روایت نموده است. (5)

ابو عیسی ترمذی از محمد بن بشار و او از ابو عامر عقیلی و او از زهیر بن محمد و او از عبدالله بن محمد بن عقیل و او از ابراهیم بن محمد بن طلحه و او از عمویش عمران بن طلحه و او از مادرش حمنه دختر جحش حدیث استحاضه را روایت نموده است. (2)

(علی بن هبة الله بن علی بن جعفر معروف به امیر ابوجعفر) ابن ماکولا از عبدالله و عبیدالله پسران جحش یاد آوری نموده، و بعد می گوید: خواهران آن ها ام المومنین زینب همسر رسول الله (ص) ام حبیبه همسر عبدالرحمن بن عوف (رض) که حیض همیشه گی داشت و حمنه دختر جحش زوجه طلحه بن عبیدالله (رض) که او هم مستحاضه بود می باشند. (2)

طبرانی به اسنادی با رجال ثقه از محمد بن اسحاق روایت نموده، که گفته است: از جمله زنان بنی اسد که مهاجر شدند، یکی هم حمنه دختر جحش اسدیه بوده، و او را در شمار زنان ایشان ذکر کرده است. (3)

وفات حمنه دختر جحش اسدیه را در سال 641 میلادی در مدینه منوره گفته اند. (24)

صاحب کتاب صحیح البخاری ضمن حدیثی که در باره اِفک روایت نموده، از قول ام المؤمنین عائشه (رض) آورده است، که گفت: رسول الله (ص) در مورد من از زینب دختر جحش (همسر خود) پرسیده، و به او گفته بودند: (ای زینب! چه می دانی یا چه دیده ای؟) وی گفته بود: یا رسول الله! گوش و چشمم را از آنچه نشنیده و ندیده ام، نگاه می دارم، و به جز نکوئی از وی ندانستم. عائشه (رض) می گوید: با این که زینب (در حسن و جمال و قرب خود نزد آن حضرت صلی الله علیه و سلم) در میان زنان رسول الله (ص) خودش را از من برتر می دانست، خداوند (ج) به خاطر پارسائی و

پرهیزگاریش او را حفظ کرد. لیکن خواهرش حمنه دائم با او مخالفت می کرد (که چرا به آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم در مورد عائشه چنین گفتی؟) پس هلاک شد، در میان گروهی از بهتان کننده گان که هلاک شدند. (6)

محمد ابن اسحاق در کتاب سیرت رسول الله (ص) آورده است: و چون (رسول الله صلی الله علیه و سلم) روی باز مدینه کردند، و باز گردیدند از احد، حمنه بنت جحش را دیدند، که از مدینه بیرون آمده بود از بهر تفحص عبدالله جحش که برادر وی بود، و حمزه که خال وی بود، و مصعب بن عمیر که علمدار سید بود، و شوهر وی بود، نیز کشته بودند، و اول خبر برادر پرسید، گفتند که: وی را کشتند. و حمنه از آن فریاد نداشت، و او را آمرزش خواست، و کلمه استرجاع بگفت، و نیز خبر شوهر پرسید - مصعب بن عمیر. گفتند که: وی نیز کشته شد. حمنه هم از آنجا فریاد برآورد، و زاری بسیار بنمود. آن گاه سید گفت: زن را هیچ کس به جای شوهر نبود. (7)

ابن اسحاق در بیان جماعت اهل افک گفته است: حمنه بنت جحش از بهر تعصب خواهرش - زینب - که در خانه ای سید بود، می گفت، و زینب خود هیچ نگفت، و از مهاجر، مردی و زنی بودند، و مرد مسطح بود، که خویش و مولای ابوبکر (رض) بود، و زن حمنه بود، خواهر زینب بنت جحش. (7)

امام حافظ ابو عبدالله حاکم نیشابوری متوفی سال 405 هجری قمری در کتاب المستدرک علی الصحیحین درباره حمنه دختر جحش اسدیّه آورده است: ابو عبدالله اصفهانی از حسن بن جهم و او از حسین بن فرج و او از محمد بن عمر (واقدی) نقل کرده، که گفته است: حمنه دختر جحش همسر مصعب بن عمیر بود، و وقتی مصعب (رض) در غزوه احد به شهادت رسید، طلحه بن عبیدالله (رض) با او ازدواج کرد، و از آنها محمد بن طلحه معروف به سجاد که کنیه طلحه (رض) منسوب به او ابو محمد می باشد، و عبدالله بن طلحه متولد گردیدند. (8)

ابوالعباس محمد بن یعقوب از عتبه بن فرج و او از زید بن یحیی بن عبید و او از لیث بن سعد و او از سعید بن ابی سعید مقبری و او از حمنه دختر جحش (رض) روایت نموده، که گفت: از رسول الله (ص) شنیده است، که فرموده اند: (أَلَا إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوهٌ خَضِرَةٌ قُرْبٌ مَّتَخَوِّضٍ فِي الدُّنْيَا مِنْ مَالِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ كَيْسَ كَهْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا النَّارَ). ترجمه: سرمایه و ثروت دنیا چون سبزه شیرین و با طراوتی می ماند، که هر کس آن را از راه مشروع و حلال بدست آورد، آن سرمایه به فائده او است، ولی بسیاری انسان های هستند، که در راه ثروت آغشته می شوند، و آن را از راه غیر مشروع به دست می آورند، یا حقوقی را که خداوند و پیامبرش بر مال آنها گذاشته اند را اداء نمی کنند، آن ها در روز قیامت سزاوار آتش اند. (8)

ابن سعد در کتاب طبقات می نویسد: پدر حمنه جحش هم پیمان حرب بن أمیه بن عبد شمس بوده است، و حمنه همسر مصعب بن عمیر بن هاشم بن عبدمناف بن عبدالدار بود، و برای او دختری زائید، و مصعب بن عمیر در جنگ احد شهید شد. (11)

خالد بن مخلد بجلی و محمد بن عمرو اقدی هر دو ما را خبر دادند، و گفتند: عبدالله بن عمر از عبدالله بن ابراهیم و او از پدرش و او از گفته محمد بن عبدالله بن جحش برای ما نقل کرد، که می گفته است: به روز جنگ احد و هنگام بازگشت رسول خدا (ص) به مدینه پاره از بانوان در باره خویشاوندان خود از مردم می پرسیدند، و مردم به آنان خبری نمی دادند. زن ها خود را به حضور رسول خدا (ص) رساندند، و هر بانوی که از ایشان سؤال می کرد. آن حضرت (ص) حقیقت را به آنان می فرمودند. حمنه هم پیش پیامبر اسلام (ص) رفت، آن حضرت (ص) به حمنه فرمودند: ای حمنه! سوگ برادرت عبدالله بن جحش را به حساب حق تعالی منظور کن. حمنه فقط انا لله و انا الیه راجعون خواند، و گفت: خدایش رحمت کند، و بیامرزد. رسول خدا (ص) به او گفتند: ای حمنه! سوگ دای خود حمزه بن عبدالمطلب را در پیش گاه خدا منظور کن. او هم چنان انا لله و انا الیه راجعون گفت، و برای او آمرزش و رحمت مسئلت کرد. رسول خدا (ص) سپس فرمودند: ای حمنه! سوگ همسرت مصعب بن عمیر را در پیش گاه خدا منظور کن. حمنه گفت: وای بر اندوه من! رسول خدا (ص) فرمودند: شوهر برای زن پایگاه و منزلتی دارد، که چیزی به آن مقایسه نمی شود. واقدی در پی سخن خود افزوده است: پیامبر اسلام (ص) به حمنه فرمودند: چرا در مورد مصعب سخنی گفتی، که در مورد دیگران نگفتی؟ گفت: ای رسول خدا! یتیم شدن فرزندان را به یاد آوردم. گوید: حمنه در صحنه پیکار احد حاضر بود، و به تشنگان آب می رساند، و زخمی ها را زخم بندی و مداوا می کرد. واقدی گوید: پیامبر اسلام (ص) برای حمنه سی شتروار از درآمد خیبر را مقرر داشتند. واقدی گوید: پس از آن حمنه را طلحه بن عبیدالله به همسری گرفت، و حمنه برای طلحه پسرش محمد را زائید، که معروف به سجاد بود، و کنیه طلحه هم به نام همین پسرش ابومحمد بوده است. حمنه پسر دیگری هم به نام عمران برای طلحه آورد. (11)

در کتاب ریح المختوم آمده است: حمنه دختر جحش در روز احد از راه رسید. آن حضرت (ص) او را از شهادت برادرش عبدالله بن جحش خبر دادند. حمنه انا لله و انا الیه راجعون گفت، و برایش آمرزش طلبید. آن گاه پیامبر اسلام (ص) او را از شهادت دای وی حضرت حمزه (رض) آگاه ساختند. حمنه برای او نیز استرجاع و استغفار کرد. آن گاه او را از شهادت همسرش مصعب بن عمیر با خبر ساختند. در این هنگام فریاد و واویلا گفت، و شیون و غوغا راه انداخت. پیامبر اسلام (ص) به اصحاب فرمودند: شوهر زن در دل او جایگاه خاصی دارد. حمنه در جریان إفک به جهت این که یکی از کسانی بود، که تهمت زنا بسته بودند، هشتاد تازیانه خورد. چون در قانون اسلام اگر کسی دیگری را به زنا متهم نماید، و تعداد شهود به میزان مقرر در شرع نرسد، خود باید هشتاد تازیانه زده شود. (9)

در تاریخ طبری آمده است: حمنه که خواهرش زینب زن پیامبر اسلام (ص) بود، به سبب خواهر خویش در رواج شائعه إفک می کوشید. (10)

در تاریخ یعقوبی آمده است: دروغ گویان در باره عائشه (رض) گفتند، آنچه گفتند. پس خدا بی گناهی او را نازل کرد. او برای کاری عقب مانده بود، که صفوان بن معطل سلمی (رض) رسید، و او را بر شترش سوار کرد، و مهار شتر را کشید، پس در باره او بهتان زدند. و رسول خدا (ص) حسان بن ثابت، مسطح بن اثاثه، عبدالله بن ابی بن سلول همان که معظم آن را بر عهده داشت، و حمنه دختر جحش خواهر ام المؤمنین زینب (رض) را تازیانه زدند. (12)

صاحب ناسخ التواریخ می نویسد: حمنه دختر جحش بن رثاب اسدیه از بنی اسد بن خزیمه و خواهر زینب بنت جحش است، که در سرای رسول خدا (ص) بود، و این حمنه یک تن از آن کسانی است، که بر عائشه (رض) بهتان انداخت، و رسول خدا (ص) ایشان را حد بزدند. نخست در سرای مصعب بن عمیر بود، چون او در احد شهید شد، و طلحه بن عبیدالله او را تزویج کرد، محمد و عمران پسران طلحه از وی متولد شدند. (13)

حافظ جمال الدین ابی الحجاج یوسف مزی صاحب کتاب تهذیب الکمال فی اسماء الرجال آورده است: حمنه دختر جحش اسدیه خواهر ام المومنین زینب بنت جحش همسر رسول الله (ص) و برادرانش بود، و او با پیامبر اسلام (ص) صحبت نموده، و از جمله زنان صحابیه می باشد. حمنه در اول همسر مصعب بن عمیر بود، و بعد از شهادت مصعب (ص) او را طلحه بن عبیدالله (رض) به همسری برگزید، حمنه دختر جحش (رض) حیض همیشه گی داشت. (21)

ابی جعفر محمد بن حبیب بن امیه بن عمرو هاشمی بغدادی متوفی سال 245 هجری قمری در کتاب المحبر می نویسد: حمنه دختر جحش خواهر ام المومنین زینب بنت جحش همسر رسول الله (ص) بود، که با مصعب الخیر بن عمیر بن هاشم بن عبد مناف بن عبدالدار ازدواج کرد، و از ایشان دختری بنام زینب متولد گردید، و زینب با عبدالله بن عبدالله بن ابی امیه بن مغیره ازدواج نمود، که از ایشان محمد، مصعب و قریبه زاده شدند، و قریبه را عمر بن عبدالرحمن بن حارث بن هشام به همسری گرفت، که از آنها حفصه متولد گردید. حمنه دختر جحش بعد از مصعب بن عمیر (رض) با طلحه بن عبیدالله (رض) ازدواج کرد، که برای او محمد سجاد و عمران پسران طلحه را بدنیا آورد. و در روز غزوه احد عبدالله بن جحش برادر حمنه، حمزه بن عبدالمطلب مامای (دائی) حمنه و مصعب الخیر بن عمیر شوهر حمنه هر سه به شهادت رسیدند. (22)

در کتاب تقریب الثقات آمده است: حمنه دختر جحش اسدی مکنی به ام حبیبیه از جمله زنان صحابیه و خواهر ام المؤمنین زینب دختر جحش (رض) است. (14)

در کتاب تهذیب التهذیب آمده است: حمنه دختر جحش اسدی خواهر ام المؤمنین زینب (رض) می باشد، وی در اول همسر مصعب بن عمیر (رض) بود، و بعد از شهادت او در غزوه احد با طلحه بن عبیدالله (رض) ازدواج کرد. و او همان است که همیشه حیض بود. عبدالله بن محمد بن عقیل از ابراهیم بن محمد بن طلحه و او از عمویش عمران بن طلحه و او از مادرش حمنه دختر جحش این مطلب را روایت نموده، هم چنین عاصم از عکرمه و او از حمنه همین

روایت را نقل کرده است، و ابواسحاق شیبانی و ابوبشر از عکرمه روایت نموده اند، که ام حبیبه همیشه حیض می شد. و یونس گفته است: زهری از عمره و او از ام حبیبه روایت نموده، که مستحاضه همان حمنه است، و زبیر بن بکار آورده است که مادر محمد و عمران پسران طلحه بن عبیدالله حمنه بن جحش می باشد، و خلیفه ذکر کرده که حمنه همسر طلحه بوده، و همین مطلب دلالت بر صحت روایت حدیث ابن عقیل دارد. و اما واقدی را گمان بر آن است که آن که مستحاضه بوده، ام حبیبه دختر جحش خواهر حمنه می باشد، و او زوجه عبدالرحمن بن عوف بود، و هفت سال متوالی حیض بوده است. (15)

امام ابو عبدالله شمس الدین ذهبی در کتاب تجرید اسماء الصحابه می نگارد: حمنه دختر جحش بن رباب همان که حیض دائم داشت، مادرش امیمه دختر عبدالمطلب بن هاشم بود، و بعد از شهادت شوهرش مصعب بن عمیر (رض) با طلحه بن عبیدالله (رض) ازدواج کرد، که از ایشان محمد و عمران (پسران طلحه) متولد گردیدند، و ام حبیبه خواهر حمنه (که همسر عبدالرحمن بن عوف بوده) حیض دائمی داشته است. (16)

ذهبی در کتاب الکاشف نیز نگاشته است: حمنه دختر جحش اسدی خواهر ام المؤمنین زینب بوده، و از شوهرش مصعب بن عمیر بیوه گردید، و بعد او را طلحه تیمی به ازدواج خود در آورد، و او همان بود، که حیض همیشه گی داشت، و از وی عمران بن طلحه حدیث روایت نموده است. (17)

ابو نعیم در کتاب معرفة الصحابه می نویسد: حمنه دختر جحش بن رباب مکنی به ام حبیبه خواهر زینب دختر جحش همسر رسول الله (ص) و یکی از زنان مهاجر بوده، و در روز غزوه احد به تداوی مجروحین و آب دادن تشنه گان می پرداخت، و او همسر طلحه بن عبیدالله بود، که عمران پسر طلحه از وی متولد گردید. (18)

امام ابو داؤد سلیمان بن أشعث سجستانی متوفی سال 275 هجری قمری در سنن اش آورده است: زهیر بن حرب و دیگران از عبدالملک بن عمرو و او از زهیر بن محمد و او از عبدالله بن محمد بن عقیل و او از ابراهیم بن محمد بن طلحه و او از عمویش عمران بن طلحه و او از مادرش حمنه دختر جحش (رض) روایت نموده، که گفت: من بودم که زیاد و شدید حیض می شدم، به نزد رسول الله (ص) آمدم، تا از ایشان طلب فتوی نموده، و آن حضرت (ص) را از مشکل خود با خیر سازم، ایشان را جستجو کردم، و رسول الله (ص) را در خانه خواهرم ام المومنین زینب دختر جحش (رض) یافتم، و برای ایشان گفتم: یا رسول الله! من زنی استحاضه هستم، حیض و خون ریزی شدید دارم، در این باره چه می بینید؟ این حالت مرا از نماز خواندن و روزه گرفتن باز داشته است. رسول الله (ص) فرمودند: (أَنْعَتُ لَكَ الْكُرْسُفَ، فَإِنَّهُ يُذْهِبُ اللَّدْمَ)، ترجمه: من برای تو گذاشتن پنبه را مناسب می دانم، زیرا پنبه خون را جمع می کند. حمنه گفت: خون از آن هم بیش تر است. رسول الله (ص) فرمودند: (فَاتَّخِذِي ثَوْبًا)، ترجمه: بالای آن پارچه ای بگذار. حمنه گفت: آن از آب هم بیشتر می آید. رسول الله (ص) فرمودند: (سَامُرُكٍ بِأَمْرَيْنِ أُتِيهُمَا فَعَلْتُ أَجْزَأَ عَنْكَ مِنَ الْآخَرِ، وَإِنْ قَوِيَتْ عَلَيْهِمَا فَأَنْتِ

أَعْلَمُ). ترجمه: من ترا به دو روش امر می کنم، به هر کدام که عمل کنی، از دیگر مزد می گیری، و اگر خواستی هر دو را انجام دهی، و تو به کارت دانسته تری. و نیز برای حمنه فرمودند: (إِنَّمَا هَذِهِ رَكْعَةٌ مِنْ رَكَضَاتِ الشَّيْطَانِ فَتَحِيضِي سِتَّةَ أَيَّامٍ أَوْ سَبْعَةَ أَيَّامٍ فِي عِلْمِ اللَّهِ ثُمَّ اغْتَسَلِي حَتَّى إِذَا رَأَيْتِ أَنَّكَ قَدْ طَهَّرْتِ وَاسْتَنْقَأْتِ فَصَلِّي ثَلَاثًا وَعِشْرِينَ لَيْلَةً أَوْ أَرْبَعًا وَعِشْرِينَ لَيْلَةً وَأَيَّامَهَا وَصُومِي فَإِنَّ ذَلِكَ يُجْزئُكَ وَكَذَلِكَ فَافْعَلِي فِي كُلِّ شَهْرٍ كَمَا تَحِيضُ النِّسَاءُ وَكَمَا يَطْهَرْنَ مِيقَاتَ حَيْضِهِنَّ وَطَهْرَهُنَّ وَإِنْ قَوَّيْتِ عَلَى أَنْ تُؤَخَّرِي الظُّهْرَ وَتُعَجِّلِي العَصْرَ فَتَغْتَسِلِينَ وَتَجْمَعِينَ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ الظُّهْرِ وَالعَصْرِ وَتُؤَخَّرِينَ المَغْرِبَ وَتُعَجِّلِينَ العِشَاءَ ثُمَّ تَغْتَسِلِينَ وَتَجْمَعِينَ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ فَافْعَلِي وَصُومِي إِنْ قَدَّرْتِ وَصَلِي عَلَى ذَلِكَ. ترجمه: به تحقیقی که این لگدی از لگد های شیطان است، و حیض در ماه شش روز و یا هفت روز طبق آنچه خداوند درباره حکم آن مقدر کرده است می باشد، پس بعد از آن غسل کن، مثلی که می بینی که پاک شدی، آن را انجام بده، و بیست و سه یا بیست و چهار شبانه روز نماز را اداء کن و روزه بگیر و از این که این کار را کردی مزد داده می شوی، و در هر ماه این را تو انجام بده، مثلی که زنان (بطور معمولی) حیض می شوند، و چنان که زمان حیض و پاکی ایشان هست. و اگر می خواستی هم نماز پیشین را به تأخیر بیانداز، و نماز عصر را نزدیک تر کن، غسل کن، و هر دو نماز را با هم اداء نما، و بعد نماز شام را به تأخیر بیانداز، و نماز خفتن را نزدیک تر بیار، باز غسل کن، و هر دو نماز را با هم جمع کن، و آن را اداء نما، و در نماز صبح هم غسل کن، و آن را بجا بیاور. به این ترتیب عمل کن، روزه بگیر، و نماز بخوان، و اگر می خواستی، به همین روش باش. و باز رسول الله (ص) فرمودند: (وَهَذَا أَعْجَبُ الْأَمْرَيْنِ إِلَيَّ). ترجمه: و این دو روش پسندیده به نزد من است. اما ابوداود در باره روایان حدیث مذکور می گوید: عمرو بن ثابت رافضی مسلک بوده، مگر او را در روایت حدیث صدوق گفته اند، و ثابت بن مقدم را ابن معین ثقه گفته است. (19) و همین حدیث را ابن جریر و زهیر بن محمد نیز از عبدالله بن محمد بن عقیل روایت نموده اند، و آن را ترمذی به شماره 128، عبدالرزاق به شماره 1174، امام احمد در مسندش جلد نهم صفحه 439، ابن ابی عاصم به شماره 3189، دارقطنی در جلد اول صفحه 214 کتابش، حاکم در جلد اول صفحه 172 کتابش، شافعی در صفحه 310 مسندش، ابن ماجه به شماره 622 و دیگران آورده اند. (18)

عمر رضا کحاله در کتاب اعلام النساء می نویسد: حمنه دختر جحش هجرت نموده، و با پیامبر اسلام (ص) بیعت نموده، و در غزوه احد برای آب دادن تشنه گان و تداوی مجروحان حاضر بوده است، او را رسول الله (ص) از محصولات خیبر سی وسق سهم دادند، نامبرده از رسول الله (ص) حدیث روایت نموده، و از او پسرش عمران بن طلحه (رض) روایت کرده است. (20)

صاحب کتاب اسوه های راستین می نویسد: حمنه دختر جحش عضو یک خانواده ای متدین و پیشگام در اسلام بود، مادرش أمیمه دختر عبدالمطلب، دائی اش حمزه (رض) سیدالشهداء، برادرش عبدالله بن جحش، خواهر او ام المؤمنین

زینب دختر جحش و همسرش مصعب بن عمیر (رض) بود. او همراه سپاه اسلام در جنگ احد شرکت کرد، و چون دیگر زنان که در آن جنگ به همراه سپاه اسلام آمده بودند، به مداوای مجروحین می پرداخت، و مجاهدین تشنه را سیراب می نمود، در این جنگ به علت کثرت مجروحین زن ها مشقت های فراوانی را متحمل شدند. حمنه (رض) نیز از زمره این گروه از زنان بود، که مشکلات و دشواری های زیادی را به نوبه ای خود متحمل گردید. وقتی گرد و غبار از صحنه ای جنگ زدوده شد، معلوم شد که تعداد زیادی از مسلمانان آسیب دیده اند، و حدود هفتاد نفر از مشاهیر صحابه شهید شده اند. رسول خدا (ص) می دانستند، که این زنان از اراده ای و الاء برخوردارند، و در قبال شهادت مجاهدین صبور خواهند بود. ایشان به سراغ حمنه (رض) رفته فرمودند: ای حمنه! برادرت عبدالله شهید شده است. حمنه با کمال متانت و بردباری فرمود: (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ). ترجمه: ما از آن خدائیم و باز گشت همه ای ما به سوی او است. خداوند غریق رحمتش کند، و گناهانش را بیامرزد. بار دیگر رسول خدا (ص) فرمودند: ای حمنه! دایمی ات حمزه بن عبدالمطلب (رض) نیز به شهادت رسیده است. این بار نیز حمنه (رض) با کمال بردباری و صبر همان جملات قبلی را تکرار کرد. سپس رسول خدا (ص) خطاب به حمنه فرمودند: ای حمنه! هیچ می دانی همسرت مصعب بن عمیر نیز شهید شده است؟ به محض این که حمنه (رض) خبر شهادت همسرش را شنید، فریاد برآورد، و گفت: وای بر این جنگ! و انگار از جنگ گلایه می کرد. وقتی رسول خدا (ص) عکس العمل حمنه را مشاهده کردند، فرمودند: واقعاً که مرد از جایگاهی در نزد همسرش برخوردار است، که هیچ چیز و هیچ کس چنان جایگاهی را نزد او دارا نیست. رسول خدا (ص) علت عکس العمل او را جویا شدند، و پرسیدند: ای حمنه! چرا در قبال شهادت همسرت این گونه مضطرب و پریشان شدی، در حالی که وقتی خبر شهادت حمزه و برادرت را شنیدی، با برد باری تمام صبر پیشه نمودی؟ او عرض کرد: ای رسول خدا! یتیم شدن فرزندانم مرا مضطرب کرد، و باعث شد چنان عکس العملی از من سرزند. پس از شهادت مصعب بن عمیر (رض) که از معلمان قرآن در عصر رسول خدا (ص) محسوب می شد. طلحه بن عبیدالله صحابی مشهور رسول خدا (ص) و یکی از عشره مبشره با حمنه (رض) ازدواج کرد. حمنه (رض) تا در قید حیات بود، مدام در غزوات و جنگ ها شرکت می کرد، از جمله جنگ های مشهوری که آن بانو در آن شرکت داشت، غزوه خیبر بود، که افتخار یافت در رکاب رسول خدا (ص) در جنگی علیه معاندین و دشمنان اسلام شرکت کند. (23)

فهرست منابع و مآخذ:

- 1 -- الاصابه صفحه 1666 و 1667 تالیف امام احمد بن علی بن حجر عسقلانی متوفی سال 852 هجری قمری چاپ بیت الافکارالدولیه.
- 2 -- اسدالغابه جلد هفتم صفحه 71 و 72 تالیف عزالدین ابی الحسن علی بن محمد معروف به ابن اثیر جزری متوفی سال 630 هجری قمری چاپ دارالکتب العلمیه بیروت.

- 3 -- حياة الصحابييات صفحه 303 ، 304 و 305 تالیف محمد سعید مبیض، چاپ مؤسسه الریان بیروت، لبنان، چاپ اول، سال 1431 هجری قمری.
- 4 -- الاستیعاب جلد چهارم صفحه 374 و 375 تالیف ابی عمر یوسف بن محمد بن عبدالبر قرطبی، چاپ دارالکتب العلمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال 1415 هجری قمری.
- 5 -- مسند امام احمد بن حنبل، مسند العشرة المبشرين بالجنة، حدیث شماره 12672
- 6 -- صحیح البخاری جلد پنجم صفحه 337 تالیف امام محمد بن اسماعیل بخاری، ترجمه عبدالعلی نور احراری، چاپ انتشارات شیخ الاسلام احمد جام، چاپ اول، تربت جام، ایران.
- 7 -- سیرت رسول الله (ص) صفحه 343 و 398 تالیف ابن اسحاق از روایت عبدالملک ابن هشام، ترجمه از رفیع الدین اسحاق ابن محمد همدانی قاضی ابرقوه، ویرایش متن جعفر مدرس صادقی، نشر مرکز، تهران، ایران، چاپ اول، تاریخ چاپ سال 1373 هجری شمسی.
- 8 -- المستدرک علی الصحیحین جزء چهارم، کتاب معرفة الصحابه، ذکر حمنه دختر جحش، صفحه 160 حدیث های شماره 7010 و 7011 چاپ دارالحرمین للطباعة والنشر والتوزیع، قاهره، مصر، چاپ اول، تاریخ چاپ سال 1417 هجری قمری مطابق سال 1997 میلادی.
- 9 -- ریح المختوم صفحه 405 تالیف مولانا صفی الرحمن مبارکپوری، ترجمه عبدالله خاموش هروی، نشر از انتشارات شیخ الاسلام احمد جام، چاپ اول، تربت جام، ایران.
- 10 -- تاریخ طبری جلد سوم صفحه 1039 و 1106 تالیف محمد بن جریر طبری متوفی سال 310 هجری قمری، ترجمه از ابوالقاسم پاینده، نشر اساطیر، تهران، ایران، چاپ دوم، سال 1377 هجری شمسی.
- 11 -- طبقات ابن سعد جلد هشتم صفحه 252 و 253 تالیف محمد بن سعد کاتب واقدی متوفی سال 230 هجری قمری، ترجمه از دکتر محمود مهدوی دامغانی، چاپ انتشارات فرهنگ و اندیشه، تهران، ایران، سال چاپ 1374 هجری شمسی.
- 12 -- تاریخ یعقوبی جلد اول صفحه 412 و 413 تالیف احمد بن ابی یعقوب معروف به ابن واضح یعقوبی متوفی سال 284 هجری قمری، مترجم محمد ابراهیم آیتی، ناشر شرکت انتشارات علمی فرهنگی، چاپ ششم سال 1371 هجری شمسی.
- 13 -- ناسخ التواریخ جلد نهم صفحه 407 و 408 تالیف محمد تقی خان لسان الملک سپهر کاشانی متوفی سال 1297 هجری قمری، چاپ انتشارات اساطیر، تهران، ایران، چاپ اول، تاریخ چاپ سال 1384 هجری شمسی.

- 14 -- تقریب الثقات صفحه 393 و 394 تالیف امام ابی حاتم محمد بن حبان بستی خراسانی متوفی سال 354 هجری قمری، چاپ دارالمعرفه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال 1428 هجری قمری.
- 15 -- تهذیب التهذیب جلد ششم صفحه 537 و 538 تالیف امام علامه شهاب الدین احمد بن علی مشهور به ابن حجر عسقلانی متوفی سال 852 هجری قمری، چاپ دارالمعرفه بیروت، لبنان، چاپ اول، سال 1417 هجری قمری مطابق سال 1996 میلادی.
- 16 -- تجرید اسماء الصحابه جزء دوم صفحه 260 به شماره به 3141 تالیف امام ابو عبدالله شمس الدین محمد بن احمد ذهبی متوفی سال 748 هجری قمری، چاپ دارالمعرفه، بیروت، لبنان.
- 17 -- الکاشف جزء سوم صفحه 411 تالیف حافظ ابی عبدالله محمد بن احمد ذهبی متوفی سال 748 هجری قمری، چاپ موسسه دارالفکر بیروت، لبنان، چاپ اول سال 1418 هجری قمری مطابق 1997 میلادی.
- 18 -- معرفه الصحابه جلد پنجم صفحه 210 تالیف احمد بن عبدالله بن احمد بن اسحاق بن مهران مکنی و مشهور به ابونعیم اصفهانی متوفی سال 430 هجری قمری، چاپ دارالکتب العلمیه بیروت، لبنان، چاپ اول، تاریخ چاپ، سال 1422 هجری قمری مطابق سال 2002 میلادی.
- 19 -- سنن ابو داود کتاب الطهاره - حدیث شماره 287 - باب من روی أن الحيضة إذا ادبرت لا تدع الصلاة.
- 20 -- اعلام النساء جزء اول، حرف حاء، صفحه 296 تالیف عمر رضاء کحاله، چاپ موسسه الرساله دمشق، سوریه، سال چاپ 1379 هجری قمری.
- 21 - تهذیب الکمال فی اسماء الرجال مجلد سی و پنجم کتاب النساء صفحه 157، 158 و 159 تالیف حافظ جمال الدین ابی الحجاج یوسف مزی، متوفی سال 742 هجری قمری، چاپ موسسه الرساله بیروت، لبنان، چاپ اول، سال چاپ 1413 هجری قمری مطابق 1992 میلادی.
- 22 - المحبر صفحه 102، 103 و 104 تالیف ابو جعفر محمد بن حبیب بن امیه بن عمرو هاشمی بغدادی متوفی سال 245 هجری قمری، چاپ دارالإفاق الجدیده بیروت، لبنان.
- 23 -- اسوه های راستین برای زن مسلمان صفحه 77، 78 و 79 تالیف احمد الجدد، ترجمه عبدالصمد مرتضوی، چاپ اول، نشر احسان، تهران، ایران.
- 24 - سایت ویکیبیدیا عربی (الموسوعه الحره) تاریخ نشر 10 جون سال 2017 میلادی ساعت 21 / 34 دقیقه.
- 25 - سایت قصه الاسلام نشر بتاريخ 1/5/2006 ساعت 12